

(وقتی که می خندی ، آرام و پرمعنا
از خنده اش می شد ، دنیای ما زیبا
از بارش نورش ، شب ها چراغان بود
ما تشنه و تنها ، او مثل باران بود) (۲)
(وقتی سخن می گفت ، لبریز بود از شور
وقتی که می آمد ، سرشار بود از نور) (۲)
(هم صحبت مهتاب ، هم راز شب بوها
اهل پریدن بود مثل پرستوها) (۲)
در یک شب تاریک افسوس از اینجا رفت
او پاک و نورانی ، آرام و تنها رفت
او گرچه با ما نیست ، یادش ولی زندهست
(راهش همیشه سبز ، جاوید و پایندهست) (۲)